

سناریوهای محتمل در آینده پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر توافقات احتمالی هسته‌ای ایران و ۱+۵ با استفاده از روش تایدا (تا بازه زمانی ۲۰۲۵)

عبدالرضا فرجی راد

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

رحیم سرور

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

محسن رستمی^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی - تهران - علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: بعد از تحولات منطقه عربی، عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در لبنان، فلسطین، یمن، سوریه و به ویژه عراق نگران است، تحولات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. که این موضوع تاثیر زیادی در روابط خارجی این دو کشور مهم منطقه داشته است. به همین علت تحقیق حاضر به بررسی سناریوهای محتمل در آینده روابط خارجی دو کشور پرداخته است. **روش:** نوع تحقیق در این پژوهش از حیث هدف، کاربردی می‌باشد. اما از حیث ماهیت و روش، پیمایشی، خبرگی و دلفی و با کمک روش تایدا می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی نخبگانی است که در شغل سفیر در معاونت خاورمیانه و آفریقا وزارت خارجه مشغول هستند به همراه اساتید جغرافیای سیاسی (با رتبه دانشیار، استاد تمامی) از سه دانشگاه تهران، تربیت مدرس، آزاد اسلامی (علوم و تحقیقات و تهران مرکز) می‌باشند که با سوالات باز پرسش شده‌اند. همچنین حجم نمونه در این پژوهش به دلیل حضور متخصصین شناخته شده، سعی شده به صورت هدفمند از تمامی واجدین شرایط سوالات انجام شود. **یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق که حاصل سوال نخبگی از جامعه آماری تحقیق بوده نشان می‌دهد که: ۸۳ درصد نخبگان وزارت خارجه و ۷۸ درصد اساتید جغرافیای سیاسی متغیر "نگاه تعدیل و موازنه نگر به توافق هسته‌ای و تعدیل در روابط خارجی با ایران"، ۸۵ درصد نخبگان وزارت خارجه و ۸۲ درصد اساتید جغرافیای سیاسی متغیر "توافق هسته‌ای، افزایش ناامنی و اصطکاک در روابط خارجی با ایران"، ۹۰ درصد نخبگان وزارت خارجه و ۸۷ درصد اساتید جغرافیای سیاسی متغیر "تضعیف موقعیت منطقه‌ای عربستان"، ۷۹ درصد از نخبگان وزارت خارجه و ۹۱ درصد از اساتید جغرافیای سیاسی متغیر "گسترش تفکر سلفی و وهابیت" را از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار در روابط خارجی ایران و عربستان در سناریوهای محتمل آینده می‌دانند. **نتیجه:** در تحقیق حاضر که به نوعی متمایز از سایر تحقیق به این موضوع پرداخته شده است، سعی کرده با شناسایی متغیرهای مهم و تاثیرگذار، سناریوهای محتمل را در روابط خارجی دو کشور بیان نماید و در پایان به این نتیجه می‌رسد که: الف- نگاه تعدیل و موازنه نگر به توافق هسته‌ای سبب بهبود روابط خارجی ایران و عربستان تا ده سال آینده خواهد شد. ب- توافق هسته‌ای بین ایران و ۱+۵ باعث اصطکاک بیشتر بین ایران و عربستان خواهد شد. پ- با برقراری توافق هسته‌ای موقعیت منطقه‌ای عربستان تضعیف خواهد شد که این مهم سبب کنار آمدن بیشتر عربستان با قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تصحیح در روابط خصمانه خود با ایران قدم بر خواهد داشت. ت- توافق هسته‌ای به نگرانی‌های منطقه‌ای و ایدئولوژیکی خواهد افزود و عربستان برای فرار از این موقعیت سعی خواهد کرد با گسترش تفکر سلفی و وهابیت در منطقه به نوعی بتواند مانع این مهم در منطقه شود.

واژگان کلیدی: سناریو، سناریو محتمل، آینده پژوهی، روابط خارجی، روش تایدا

- مقدمه

با گذشت بیش از سه دهه از عمر جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی کشور در این مدت متأثر از تحولات شگرف و عمیق بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. زیرموقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای است که این کشور همواره در سیر تحولات استراتژیک به عنوان یکی از اجزای لاینفک استراتژی‌های جهانی محسوب شده و این امر سبب شده تا تحولات بین‌المللی نیز متقابلاً بر رفتار و سمت‌گیری‌های استراتژیک در سیاست خارجی این کشور بسیار مؤثر باشند؛ بنابراین، تحلیل و تبیین سیاست خارجی ایران به طور طبیعی تابع یک تحلیل سیستمی است، زیرا تعاملات خارجی دولت‌های ایران تحت تأثیر تحولات در نظام بین‌الملل است. از سوی دیگر نیز حکومت آل سعود در تئوری‌های مطرح ژئوپلیتیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. موقعیت ممتاز و دسترسی این کشور به دریای سرخ و خلیج فارس موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومی منحصر به فردی به این کشور داده است. علاوه بر آن، عربستان با داشتن ذخایر نفتی جهان و قدرت تولید نفت تا قریب ۱۲ میلیون بشکه در روز این امکان را دارد که در قیمت‌گذاری تولید، توزیع و مصرف آن نقش خاصی را ایفا کند و بخشی از درآمدهای خود را صرف خرید تسلیحات نظامی نماید. قرار گرفتن کعبه به عنوان قبله گاه مسلمین جهان و منافع فرهنگی و مادی که آن دارد، عربستان را در موقعیتی جدا از کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس قرار می‌دهد. چنین مزایایی به عربستان سعودی این امکان را داده تا به گسترش نفوذ سیاسی در کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای اسلامی بپردازد (<http://www.parsine.com/fa/news>) بنابراین تقارن اهداف و موقعیت‌های دو کشور در منطقه برای روابط خارجی دو کشور بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قائل می‌باشند. روابط خارجی بین دو کشور از پیروزی انقلاب تاکنون همواره با نوساناتی توأم بوده است. اما جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین‌کننده در منطقه محسوب می‌شوند. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت روابط دو کشور نکاست بلکه پدیده نوین انقلاب و رخدادهای متأثر از آن، به همراه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر از تحولات منطقه عربی روابط دو کشور را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی فوق‌العاده‌ای بخشید.

در سطح منطقه‌ای، بعد از تحولات منطقه عربی، عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در لبنان، فلسطین، یمن، سوریه و به ویژه عراق نگران است، تحولات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. این نگرانی‌های اخیر به همراه حساسیت و سوء ظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض به منظور تغییر در معادلات منطقه برانگیخته است. در گذشته همواره ایران، عربستان سعودی و عراق به عنوان سه کشور مهم و تعیین‌کننده در منطقه خلیج فارس مطرح بودند و توافق دو کشور از این سه کشور کافی بود تا تأثیرگذاری لازم بر مسائل و تحولات عمده و مهم منطقه صورت گیرد، لذا عربستان تلاش می‌کند که از عراق به عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه استفاده نماید. حساسیت عربستان نسبت به افزایش نقش ایران و

شیعیان در عراق، از این زاویه اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر عربستان همواره خود را در نقش یک مدافع تمام عیار اهل سنت تعریف کرده است و نسبت به کاهش نقش سنی‌ها در عراق، لبنان و یا کشورهای همجوار خود مانند بحرین حساس و نگران است. عربستان توانایی بر هم زدن بیشتر اوضاع در منطقه را از طریق حمایت از نیروهای ضد شیعی دارا می‌باشد؛ امری که جمهوری اسلامی ایران لازم است نسبت به آن حساس باشد. به همین منظور مساله اساسی محقق در تحقیق به دنبال آن است که آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی را تبیین نماید.

سوال تحقیق: عبارتست از این که مهم‌ترین سناریوهای محتمل، در روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات منطقه عربی تا سال ۲۰۲۵ چیست؟

فرضیه‌های تحقیق: با توجه به روش در نظر گرفته شده تحقیق حاضر فاقد فرضیه می‌باشد.

نگاهی به ویژگی‌های ایران و عربستان سعودی که در قالب مسائلی مانند نقش ایران و عربستان سعودی در جهان اسلام، انرژی، حضور فعال هر دو کشور در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی، موقعیت ویژه جغرافیایی در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اقلیت شیعه و سنی و رقابت بر سر هژمونی منطقه‌ای تبلور می‌یابد، حکایت از اهمیت ایران و عربستان سعودی برای یکدیگر دارد. گرچه این ویژگی‌ها در وهله اول به مثابه نقاط اشتراک دو کشور تجلی می‌یابد و بعضاً به عنوان عوامل پیوند دهنده روابط فرض می‌شود، اما واقعیت آن است که تلقی و اهداف متفاوت تهران و ریاض از عناصر فوق و چگونگی استفاده از هر یک از ویژگی‌های مذکور جهت تأمین منافع کشوری، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهان اسلامی خود، بخش عمده‌ای از این نقاط اشتراک را می‌تواند به نقاط افتراق تبدیل کند. در کنار عناصر فوق، اختلاف نظر میان ایران و عربستان که متأثر از عواملی مانند نوع و ساختار حکومت، مفهوم امنیت و اجرای الگوی مشخص امنیت منطقه‌ای، روابط با آمریکا، تفکر وهابیت و تکفیر شیعه، حمایت عربستان از صدام در طول جنگ تحمیلی و کشتار مکه، حمایت از گروه‌های غیرمشروع داعش در عراق و سوریه، تلقی عربستان از نقش ایران در چند دهه گذشته در منطقه و انتقاد از حضور ایران در حمایت از جنبش‌های بیداری اسلامی می‌باشد، و نیز سیاست‌های متفاوت ایران و عربستان در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین، مصر، سوریه نشان می‌دهد که توسعه و گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی بر بستری از تناقضات و رقابت‌های پیچیده استوار است که حرکت در مسیر آن ظرافت و دقت بسیاری را تبیین مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را می‌طلبد. به همین علت با توجه به اینکه تاکنون در جغرافیای سیاسی مبحث آینده‌پژوهی روابط خارجی کمتر به آن پرداخته شده، محقق سعی دارد تا به آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی بپردازد که به نوبه خود می‌تواند به دیپلماسی کشور ما کمک شایانی کند تا بتواند واقع بینانه به اتخاذ سیاست خارجی در روابط با عربستان بپردازد.

مهم‌ترین هدف این تحقیق، آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر علائق ژئوپلیتیکی منطقه عربی است که در صورت بکارگیری سیاست خارجی تبیین شده از سوی این رساله توسط وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران محقق را به اهداف ویژه و کاربردی آن نائل خواهد کرد. بنابراین اهداف این پژوهش عبارتند از:

آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی نوع تحقیق در این پژوهش از حیث هدف، کاربردی می‌باشد. اما از حیث ماهیت و روش، پیمایشی و خبرگی و دلفی می‌باشد.

این تحقیق با توجه به اینکه به دنبال طرح سناریو برای موضوع می‌باشد، بنابراین در تحقیقات خود تصویرهایی محتمل از آینده در اختیار می‌گذارد. بر همین مبنا محقق در تجزیه و تحلیل با استفاده از روش تحقیق دلفی (خبرگی) آینده‌های محتمل که همانا آینده‌هایی که ادامه وضعیت گذشته و حال هستند را با کمک روش تایدا در روبرو خارجی ایران و عربستان از تمامی نخبگان جامعه آماری انجام داده است.

در این میان، با الگوبرداری از روشی به نام تایدا که امروزه از بهترین روش‌های سناریوسازی است، استفاده می‌شود. روش تایدا از پنج مرحله تشکیل شده که به ترتیب عبارتند از:

-تعقیب: که به معنای ردیابی تغییرات و شناسایی علائم تهدیدها یا فرصت‌ها است.

-تحلیل: که به معنای بررسی نتایج حاصل از تغییرات و ساختن سناریوهاست.

-تصور: که به معنای شناسایی دیدگاه‌ها و تصورات ذهنی ما نسبت به آن چیزی است که به دنبال آن هستیم.

-تصمیم: که به معنای سبک و سنگین کردن اطلاعات و انتخاب یا ساختن استراتژی‌هاست.

- اقدام: که به معنای تعیین اهداف کوتاه مدت، برداشت اولین گام‌ها و دنبال کردن آن‌ها تا رسیدن به نتیجه است.

جامعه آماری تحقیق شامل تمامی نخبگانی است که در شغل سفیر در معاونت خاورمیانه و آفریقا وزارت خارجه مشغول هستند به همراه اساتید جغرافیای سیاسی (با رتبه دانشیار، استادتمامی) از سه دانشگاه تهران، تربیت مدرس، آزاد اسلامی (علوم و تحقیقات و تهران مرکز) می‌باشند که با سوالات باز پرسش شده‌اند.

حجم نمونه در این پژوهش به دلیل حضور متخصصین شناخته شده، سعی شده به صورت هدفمند از تمامی واجدین شرایط سوالات انجام شود.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر حاصل مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، پرسش از متخصصین و اساتید دانشگاه می‌باشد.

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر تجزیه و تحلیل متغیرهای جمع آوری شده از اسناد و مدارک کتابخانه و مصاحبه‌های نخبگی و پرسشنامه می‌باشد.

- مبانی نظری تحقیق

-پروفسور روح الله رضانی در مقاله‌ای با عنوان درک سیاست خارجی ایران به آمریکا و سایر قدرت‌ها سفارش می‌کند که مشروعیت انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران را به رسمیت بشناسد و ارزیابی واقع بینانه‌ای از قدرت ایران در خاورمیانه داشته باشد.

-آقای دکتر سیدحسین سیف زاده در کتاب اصول روابط بین‌الملل که در دو دفتر اصول روابط بین‌الملل (الف) و اصول روابط بین‌الملل (ب) خلاصه می‌شود به مهم‌ترین اصول روابط بین‌الملل را اشاره می‌کند و در نهایت با بررسی

سیاست‌های خارجی و اقدامات مهم در اتخاذ روابط خارجی در نهایت مدل‌های مختلف در سیاستگذاری خارجی ارائه می‌کند.

- دکتر علی آدمی و همکارانشان در مقاله‌ای با عنوان تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان سعودی، با بررسی تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان در نهایت به این نتیجه می‌رسد که ایران با تقویت حس انقلابی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، بر ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان بحرین به وضعیت مطلوب‌تر و شرکت دادن شیعیان در اداره امور کشور بحرین تأکید دارد.

مفهوم آینده پژوهی: آینده پژوهی رشته‌ای است مستقل که به شکلی روش مند به مطالعه آینده می‌پردازد. این رشته تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماییم. این تصاویر در سه مقوله طبقه‌بندی می‌شوند: آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل و آینده مطلوب. در این راستا، «وندل بل» یکی از مهمترین متفکران این حوزه پژوهی، آینده پژوهی را به این شکل تعریف می‌کند: رشته‌ای مستقل بشمار می‌رود که هدفش مطالعه منظم آینده است. آینده پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهترند. آنان انتخاب‌های مختلفی را جمع به آینده فراروی انسان‌ها قرار می‌دهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کنند
(<http://www.onlinemanagers.ir/emag/ContentDetails.aspx>).

- سناریو

آینده پژوهان با بررسی و تحلیل‌های گوناگون، آینده را پیش‌بینی می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها به صورت «سناریو یا داستان» طرح می‌شود (Cohen, 2001: 9) در یک تعریف ساده می‌توان گفت سناریو یک داستان یا یک صحنه است. این صحنه یا داستان به توصیف یک وضعیت به شکل عمومی می‌پردازد که ممکن است در آینده رخ دهد. باید توجه داشت سناریو پیش‌بینی نیست؛ بلکه روشی برای کنار هم قرار دادن و گردآوری ایده‌ها و احتمالات بسیار است به گونه‌ای که میان آن‌ها رابطه‌ای منطقی و معنادار وجود داشته باشد. سناریو به مدیران امکان می‌دهد که درک بهتری از رویدادهای احتمالی و ناشناخته آینده داشته باشند. اگر مدیران برنامه و اندیشه خود را درباره آینده از میان پیچیدگی‌های موجود در یک سناریو عبور دهند، می‌توانند رویدادهای پیش‌بینی نشده را در ذهن خود ترسیم کنند و برای آن‌ها تدبیر بیندیشند (www.jfs.tku.edu.yw)

آینده پژوهان با گردآوری تمام روندهای محتمل و متفاوت و موضوع‌های مرتبط با آن‌ها یک داستان می‌آفرینند. این داستان یا همان سناریو باید روایتی منطقی داشته باشد و محتمل و باور کردنی به نظر برسد، نه اینکه صرفاً خیال پردازی باشد. هنگامی که آینده پژوه چند سناریو و داستان برای آینده بیان نماید که با یکدیگر بسیار متفاوت باشند، و خواننده پس از مطالعه، آن‌ها را به محتمل و ممکن دسته‌بندی کند، توانسته است مرحله موفقیت‌آمیزی از تدوین سناریو را بپیماید. به بیان دقیق‌تر سناریونگاری فرآیندی است که در چند مرحله صورت می‌گیرد. ابتدا تصمیم‌های راهبردی و کلیدی بلند مدت یک سازمان، واقع‌بینانه شناسایی می‌شوند، سپس این پرسش طرح می‌شود که «چه

عواملی می‌توانند در تصمیم‌های راهبردی و کلیدی تغییر ایجاد کنند؟». پس از جمع‌آوری فهرست گسترده‌ای از این عوامل، به این موضوع پرداخته می‌شود که کدام یک از این عوامل کلان یا خرد، سازگار و اجتناب‌ناپذیر و کدام یک غیر قطعی‌اند.

با آنکه سناریوها با یکدیگر متفاوت‌اند، ولی سه هدف اصلی را پی‌می‌گیرند:

- ترکیب اطلاعات نشان می‌دهد که چه چیزی برای سازمان مهم است و چه کارکردها و وظایفی در آینده مورد توجه سازمان است؛

- توسعه مجموعه‌ای از توصیفات سازگار و باورکردنی درباره آینده ممکن یا سناریوها، و مجموعه‌ای از روش‌شناسی‌های ساختاریافته که کاملاً کاربردی‌اند؛

- ارزیابی کاربردهای این سناریوها در حال حاضر برای سازمان (Ruth, 2004: 56)

سناریونگاری در سازمان‌ها به عهده آینده‌پژوهان است. آینده‌پژوهان در سازمان‌ها افرادی کاردان، روشن‌ضمیر، و آگاه‌اند. اینان تعهد بنیادی و پایدار در برابر سازمان دارند. وظیفه آینده‌پژوهان آفرینش فضای فکری مناسب برای آینده‌نگری است. آنان باید بتوانند فضایی را ایجاد کنند که سناریوسازی در سازمان به سهولت و متکی بر فضای فکری سازمان شکل بگیرد.

- سیاست خارجی

سیاست خارجی مجموعه گفتمان‌ها، گفتارها، نگرش‌ها، رویکردها، جهت‌گیری‌ها و اقداماتی است که از سوی بخش‌های گوناگون دولت یک کشور در رابطه با دولت‌های دیگر در صحنه بین‌الملل طرح و یا به اجرا درمی‌آیند (عطایی، منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۶۸).

- مروری بر تحولات خاورمیانه

تحولات سال ۲۰۱۱ در جهان عرب، نشان می‌دهد گفتمان‌های حاکم در این جوامع قادر به ارائه پاسخ‌های منطقی و متقاعدکننده به مسایل جامعه و پرسش‌های دیگر گفتمان‌ها نیستند و زمان تحول در گفتمان‌ها و چهارچوب‌های مفهومی فرارسیده است. جهان عرب دچار بحران عمیق هویتی شده و آشوب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، این جوامع را در بر گرفته است. گفتمان‌های حاشی‌های، عرصه را برای گفتمان‌های مسلط محدود کرده و مبانی و کارآمدی آن‌ها را در عرصه اجتماعی به چالش کشیده‌اند. اکنون، دوره تغییر و تحول در میان گفتمان‌ها و درون آن‌هاست و کارگزاران تلاش می‌کنند از طریق مفص‌لبندی و تعیین هویت‌ها با گفتمان‌های آلترناتیو، هویت‌ها و معانی اجتماعی خود را بازسازی کنند. نگاهی به اجزا، نمادها و نشانه‌های گفتمانی و هویتی در عرصه اجتماعی جهان عرب، خطوط صورت‌بندی‌های گفتمان‌ها و هویت‌های جدید در جهان عرب را نشان می‌دهد و روند تحولات آتی این منطقه را تصویر می‌کند. ضدیت‌ها در جهان عرب، فرایندی از ساخته شدن را آغاز کرده‌اند. در این فرایند، گفتمان‌ها و هویت‌های مسلط به زیر کشیده شده و هویت‌هایی برکشیده خواهند شد و ممکن است به گفتمان مسلط در این جوامع تبدیل شوند (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۵۷).

تحلیل تاریخی به ما نشان می‌دهد که خاورمیانه در طی ۶ دهه گذشته عمیقاً درگیر و دار اقتدار گرایسی، معضلات اقتصادی و اجتماعی، سلطه طلبی آمریکا و شکست‌های تحقیر کننده از رژیم صهیونیستی بوده است. در عین حال الگوهای چپ و راست، که برای مدت‌های مدیدی مدعی حل این معضلات و بحران‌ها بودند به واسطه ناتوانی درونی و ایجاد دامنه‌های جدیدی از مشکلات، اعتبار خود را از دست داده‌اند. بیش از یک سال از تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا می‌گذرد اما هنوز نیز برآوردها و پیش‌بینی‌های متفاوتی در مورد علت وقوع این انقلاب‌ها و آینده آن‌ها وجود دارد. تغییرات و تحولات خاورمیانه اگرچه در برخی موارد مثبت بوده و دیکتاتورهای کشورهای عربی را به چالش کشیده ولی باید اذعان کرد که همه این تحولات درون‌زا نبوده و نیروهای بیرون منطقه‌ای به شدت در این تحولات تأثیر گذار بوده و هستند. این تحولات ساختار ژئوپلیتیکی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. غالب مخالفان در کشورهای عربی شعار (الشعب يريد اسقاط النظام) یعنی (مردم خواهان برکناری رژیم هستند) سر می‌دهند. بیش‌تر این اعتراضات در کشورهایی رخ داده که حاکمان از هم پیمانان ایالات متحده محسوب می‌شدند و از حمایت‌های اقتصادی و سیاسی این کشور استفاده می‌کردند (اعتمادی: ۱۳۹۱: ۶۱). در سه کشور مصر، لیبی و تونس رژیم‌های حاکم بعد از بین ۴۰ تا ۶۰ ساله فروپاشیدند. در سوریه و یمن نیز دولت‌های حاکم با چالش جدیدی روبرو هستند و درگیری‌ها در این کشورها تداوم دارد و هنوز وضع مشخصی ندارند. در بحرین نیز مشکل بزرگ فراروی حکومت با دخالت نظامی در حال سرکوب شدن است. بوزان معتقد است که مقوله‌هایی چون تداخل جریان قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی، با سرعت و به سهولت خاورمیانه را نظاره گر نزاع‌های خونین ساخته است (نصیری، ۱۳۸۲: ۸۹). تحولات خاورمیانه تأثیرات متفاوتی را بر جامعه، ساختار سیاسی، ماهیت و نقش بازیگران، ساختار نظام منطقه‌ای و... در منطقه خاور میانه خواهد داشت. همچنین به نظر می‌رسد بر نقش و جایگاه شیعیان در منطقه نیز تأثیرات زیادی داشته باشد.

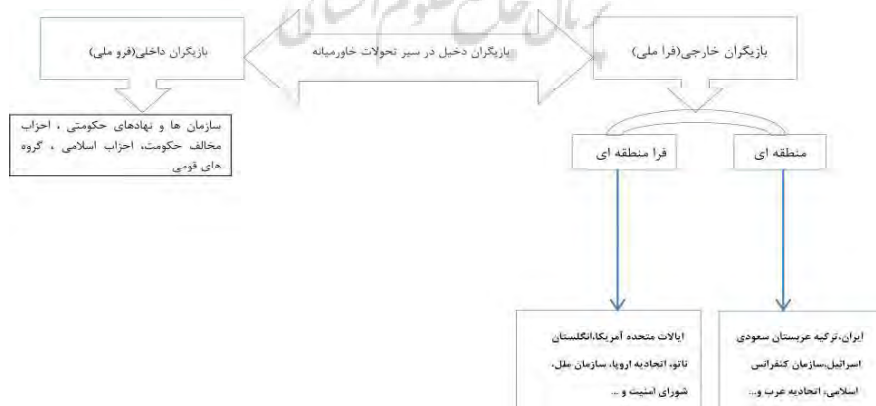
بطور کلی دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به تحولات اخیر منطقه وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به صورت نمودار زیر نشان داد:



بازیگران داخلی و خارجی دخیل در سیر تحولات خاورمیانه

میزان دخالت عوامل داخلی و خارجی در تحولات کشورها متفاوت است. در هر کشوری که نقش عوامل غربی و آمریکا پررنگ‌تر است مسلماً نقش شیعیان کم‌رنگ خواهد شد. به عنوان نمونه تحولات تونس نه تنها غرب، بلکه همگان را شگفت زده کرد. چرا که شمال آفریقا، به دلیل حاکمیت حکومت‌های استبدادی، سرکوبگر و امنیتی حداقل در ظاهر از نوعی آرامش برخوردار بود. بحران تونس یک حادثه غیر قابل پیش‌بینی برای همه بازیگران اعم از

گروه‌های سیاسی و نخبگان داخلی، کشورهای منطقه و غربی‌ها بود. بنابراین آنچه که در تونس اتفاق افتاد تحولی کاملاً درونی و جنبشی مردمی و حاصل انفجار مطالبات مردم و به دور از یک برنامه‌ریزی خارجی بود. البته عدم ظرفیت بن علی که به دلیل نداشتن سابقه انقلابی زود در مقابل اعتراضات کناره‌گیری و فرار کرد در این تحول نقش داشت. اما غرب تلاش کرد با استفاده از ظرفیت علمی و نهادهای برنامه‌ریز خود به تحلیلی درست از وقایع خاورمیانه دست یابد و بتواند سیاست خود را با این تحولات تطبیق دهد. آن‌ها در مصر توانستند با نظامیان به توافق برسند و از فروپاشی ارتش این کشور جلوگیری کنند و تحولات را مهار کنند. به تعبیر دیگر جنبش مردم مصر می‌توانست در مسیر تکامل خود نه تنها خود مصر بلکه تمامی کشورهای عربی را متحول نماید در مسیر خود متوقف شده و تنها به بخشی از اهداف خود رسید و از بسیاری از دستاوردهایی که پیش‌بینی می‌شد بازماند. واضح است که مصر کنونی کاملاً با آنچه که در زمان مبارک بود متفاوت است ولی نباید فراموش کرد که فاکتورهای مهمی که مصر را به اردوگاه غرب پیوند می‌زند هنوز دست نخورده باقی مانده است که روابط مصر با اسرائیل، قرارداد کمپ دیوید، نقش پررنگ نظامیان در سیاست و... از اهم این عناصر است. این‌ها مسائل مهمی در روابط مصر با جهان خارج و جایگاه این کشور در جهان عرب و اسلامی است که اگر چه تزلزلی در برخی عناصر آن ایجاد شده ولی از بین نرفته است. بنابراین آمریکا و غرب توانستند سریع بر موج تحولات سوار شوند. دخالت‌های گسترده ناتو و سازمان‌های منطقه‌ای در لیبی و نیز دخالت‌های عوامل خارجی در حوادث سوریه از دیگر نمونه‌هاست. واضح است که غربی‌ها در لیبی حضور کاملاً پررنگی در آینده این کشور نفتی شمال آفریقا خواهند داشت و هیچ اطمینانی از اینکه حکومتی که جایگزین قذافی خواهد شد رژیم مردم‌سالار باشد وجود ندارد. در یمن نیز غرب توانسته به همراه عربستان تحولات را کنترل کند. در واقع ۵۰ درصد موضوع یمن را مردم این کشور شکل می‌دهند و ۵۰ درصد آن به آمریکا و عربستان مربوط است. پس از شوک اولیه‌ای که غرب در مواجهه با این جنبش‌ها دچار شد، اینک توانسته است با استفاده از توان تکنولوژیکی، قدرت نرم و ابزارهای بین‌المللی بر این تحولات تأثیر گذاشته و درصد مدیریت آن برآید. منافع استراتژیک و اقتصادی غرب و نفوذ تاریخی و سنتی برخی کشورهای شمال مدیترانه در این منطقه شرایطی را فراهم کرده است تا در نقطه عطف نظام‌های عربی، آنان را به بازیگرانی تأثیرگذار بر تحولات این کشورها تبدیل نماید.



شکل ۱: بازیگران دخیل در تحولات خاورمیانه

- رابطه سیاست خارجی و ژئوپلیتیک ایران

دیدگاه ژئوپلیتیک دگرگون شده ایران نسبت به تعاملات جهانی و منطقه‌ای، دستاورد مطالعه دگرگونی‌های سریع در نظام ژئوپلیتیک جهانی و اولویت‌های آن است، ایران در تعاملات نوین با جهان سیاسی پست مدرن از راه تعیین دو منطقه ژئوپلیتیک مهم در سرحدات جنوبی و شمالی با تکیه بر آنچه در این دو جناح می‌گذرد، به نقش آفرینی‌های منطقه‌ای خود اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

نخستین نکته‌ای که در مطالعه روابط خارجی ایران باید مورد توجه قرار گیرد، اینکه موضوع مزبور در یک چهارچوب معینی پیگیری می‌شود و تابعی از شرایط درست یا نادرست حاکم بر روابط بین‌الملل است. در نگاه ایرانی به این چشم‌انداز گسترده، تردیدی نیست که ایالات متحده آمریکا از فردای فروپاشی جهان دو قطبی، در اندیشه توجیه نظام جهانی تک قطبی بوده است؛ یعنی نظام ژئوپلیتیک هرمی شکلی که قدرت‌ها، به نسبت توان و ظرفیت‌های گوناگون در سلسله مراتب آن قرار خواهند گرفت و خود ایالات متحده در راس هرم، بر سرنواشت سیاسی جهان چیره خواهد شد و روابط بین‌الملل را بنا به میل خود و متحدانش اداره خواهد کرد. تحلیل فرآیند تحولات ژئوپلیتیکی ایران در ادوار مختلف و به ویژه در زمینه تعاملات ژئوپلیتیک و سیاست خارجی معاصر ایران حاکی از آن است که با توجه به همسایگی ایران با پانزده کشور مستقل و ۲۴ دولت همجوار، چنین موقعیتی فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده است که به طور ماهوی نیازمند تکامل فضایی همه جانبه می‌باشند. در واقع این موقعیت تهدید و فرصت برای ایران به گونه‌ای است که این کشور با استفاده از یک موقعیت استثنایی مرکزی و کانونی، می‌تواند به کانون صلح و همبستگی بین منطقه‌ای تبدیل شود.

این در حالی است که تاکنون تعدد کشورها و دولت‌های همجوار ایران، تنها زمینه افزایش ظرفیت‌های مشاخره را فراهم آورده است. در این باره، جوانی و ناپایداری دولت‌ملت‌های همجوار ایران را می‌توان یکی از دلایل این ناکامی دانست به گونه‌ای که به جز روسیه و ترکیه عمر سیاسی هیچ یک از کشورهای همجوار ایران به یک قرن نمی‌رسد. بر این اساس ج. ا. ا. در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد که عبارتند از:

۱- تراکم تهدیدهای پیرامونی؛

۲- مرزهای کنترل ناپذیر؛

۳- فقدان چتر حمایتی بین‌المللی، زیرا این واقعیت‌ها در درازمدت بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور ایران تأثیرات گسترده‌ای به جای می‌گذارند (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

از این رهگذر است که می‌توان بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران سه نوع رابطه خاص را مورد توجه قرار داد:

۱- رابطه ساختاری و پایداری، نتیجه عملی این ارتباط ساختاری و پایداری ژئوپلیتیک ایران سبب شده تا در تمامی مراحل پنج قرن گذشته سیستم بین‌المللی که همراه با تغییرات گسترده در کانون قدرت‌های جهانی بوده، همیشه به عنوان یک کشور بین‌المللی باقی مانده است.

۲- رابطه متحول و متغیر، بین سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک رابطه‌ای متحول و متغیر هم وجود داشته است. یعنی هر چند که ایران همواره با پایداری عنصر ژئوپلیتیک در سیاست خارجی روبروست ولی در شکل این رابطه، تحول و تغییر وجود داشته است. زیرا کانون‌های قدرت بین‌المللی در چند قرن گذشته همواره سیال بوده‌اند.

۳- رابطه ادراکی و عملی، ادراکات متعددی در ادوار مختلف در بین نخبگان ایران از ژئوپلیتیک وجود داشته است که همین تعدد در ادراک ژئوپلیتیکی سبب ظهور نگرش‌های متعددی در سیاست خارجی بر بستر ژئوپلیتیک ایران بوده است و به عبارتی این رابطه کاملاً دارای منشأ داخلی است (سجادپور، ۱۳۸۳: ۲۰-۴۰).

- بسترهای شکل‌گیری سیاست خارجی عربستان

۱- موقعیت ژئوپلیتیک

عربستان در تئوری‌های مطرح ژئوپلیتیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. موقعیت ممتاز و دسترسی این کشور به دریای سرخ و خلیج فارس موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومی منحصر به فردی به این کشور داده است. علاوه بر آن، عربستان با داشتن ذخایر نفتی جهان و قدرت تولید نفت تا قریب ۱۲ میلیون بشکه در روز این امکان را دارد که در قیمت‌گذاری تولید، توزیع و مصرف آن نقش خاصی را ایفا کند و بخشی از درآمدهای خود را صرف خرید تسلیحات نظامی نماید. قرار گرفتن کعبه به عنوان قبله گاه مسلمین جهان و منافع فرهنگی و مادی که آن دارد، عربستان را در موقعیتی جدا از کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس قرار می‌دهد. چنین مزایایی به عربستان سعودی این امکان را داده تا به گسترش نفوذ سیاسی در کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای اسلامی بپردازد.

۲- ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری نظام

رژیم سیاسی عربستان مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای و با تکیه بر اصول وهابیت است که شخص پادشاه از وفاداری قبایل گوناگون برخوردار بوده و روسای قبایل همواره از دستورات وی اطاعت می‌کنند. جایگاه و نقش پادشاه اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین کانون قدرت و عنصر موثر ساختار قدرت سیاسی کشور است. از آنجا که عربستان دارای یک رژیم مطلقه سلطنتی است، دارای آنچنان شیوه رفتاری است که مخالفت را برنمی‌تابد. از اینرو آنچه برای سعودی‌ها در عرصه روابط خارجی نیز مهم بوده حفظ ثبات منطقه‌ای در راستای حفظ ثبات داخلی است.

۳- عامل اقتصادی

ساختار اقتصادی عربستان کاملاً وابسته به درآمدهای هنگفت نفت بوده و بسیار شکننده است، چرا که تمام فعالیت‌های اقتصادی اعم از صنعتی، خدماتی و بازرگانی تحت الشعاع وضعیت نفت هستند. سعودی‌ها همواره از این حربه در تصمیم‌گیری خود به عنوان یکی از اهرم‌های فشار بسیار موثر استفاده می‌کنند. عربستان سعودی از سال ۱۹۷۳ تاکنون در صدد بوده تا با استفاده از سرمایه نفتی به سه هدف عمده دست یابد: اول، متنوع کردن اقتصاد از طریق کاهش وابستگی شدید آن به صادرات نفت؛ دوم، حفظ ثبات و امنیت قلمرو پادشاهی سعودی، سوم، افزایش نفوذ و پرستیژ بین‌المللی.

۴- ایدئولوژی

هم‌اکنون نهاد دینی برگرفته از اصول رسمی وهابیت مشروعیت لازم را برای حکومت آل سعود فراهم می‌کند و غالباً مهر تایید به تصمیمات رسمی زده و برای اعتبار بخشیدن به مواضع سیاسی رژیم، احکام دینی صادر می‌نماید.

بنابراین نفوذ وهابیت بسیار فراتر از نقش رسمی نهاد دینی در عربستان سعودی می‌رود. از زمان تاسیس دولت (سعودی) وهابیت؛ فرهنگ، آموزش و پرورش و بستر قضایی آن را شکل داده و بر همه تمایلات و جهات اسلام‌گرایی در داخل و خارج از آن تاثیرگذار بوده است. در عرصه خارجی نیز در میان کشورهای اسلامی سعودی‌ها همواره سعی در رهبری جهان اسلام از طریق عقاید وهابی داشته‌اند.

– اهداف سیاست خارجی عربستان

بطور کلی می‌توان گفت که عربستان سعودی در سیاست خارجی خود چهار هدف اصلی را دنبال می‌کند و تمام مقدرات خود را در جهت تحقق این چهار هدف بکار می‌بندد. اهداف مزبور عبارتند از:

۱- موازنه‌ی منطقه‌ای

این هدف با ایجاد رابطه با کشورهای عضو پیمان ناتو و کشورهایی که در مدار آن‌ها قرار دارند ارتباط ویژه‌ای دارد. عربستان سعودی پس از استقلال همواره یکی از کشورهای مورد حمایت بلوک غرب بوده و به همین جهت سیاست خارجی این کشور در بیشتر زمینه‌ها در راستای سیاست‌های جهانی غرب در منطقه قرار داشته تا در برابر افکار و سیاست‌های انقلابی موجود در جهان غرب و اسلام نقش متعادل‌کننده و محافظه‌کارانه را ایفا کند تا از این طریق از هر گونه آشوب و ناآرامی و یا افکار انقلابی در منطقه و سرایت آن به داخل عربستان سعودی و دیگر کشورهای محافظه‌کار منطقه جلوگیری نماید.

۲- تاکید بر رهبری جهان اسلام

ظهور اسلام در این مکان جغرافیایی و وجود حرمین شریفین جایگاه برتری را در بین کشورهای اسلامی به این کشور اعطا کرده است که همواره بعنوان مهم‌ترین قطب جهان اسلام شمرده می‌شود. از این رو عربستان سعودی تاثیرگذار مهم و تعیین‌کننده در تحولات منطقه خاورمیانه می‌باشد و پادشاهی سعودی همواره کوشیده است با اعمال سیاست‌های ابتکاری و با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های گوناگون خود در جهان اسلام، دنیای عرب، و در بعد منطقه‌ای و فراتر از آن در سطح نظام بین‌الملل نقش تعیین‌کننده برای خود تعریف کند و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی در پی بسط و گسترش نفوذ خود برآید.

۳- مخالفت و مبارزه با کانون‌های انقلابی در منطقه

خاندان آل سعود معتقدند که هر تحرکی در جهان اسلام اتفاق بیافتد با وجود مراسم سالانه حج و جمع شدن حدود دو میلیون زائر در عربستان سعودی با توجه به ساختار سیاسی بسته این کشور، در هر صورت تاثیر عمده‌ای بر اوضاع داخلی این کشور خواهد گذاشت. برای رسیدن به این هدف و کنترل کانون‌های انقلابی، سعودی‌ها به تقویت و تحکیم روابط خود با رژیم‌های دست راستی و میانه رو حاکم در برخی از کشورهای جهان اسلام و برقراری ارتباط با کشورهای غربی روی آورده است.

۴- ترویج آیین وهابیت

یکی دیگر از اهداف مهم عربستان سعودی در سیاست خارجی ترویج آیین وهابیت است، تا از این طریق حوزه نفوذ خود را گسترش داده و رهبری جهان اسلام و برتری خود را در منطقه تحقق بخشد. بدین روی سعودی‌ها با راه‌اندازی مراکز آموزشی و دینی، افکار و شریعت اسلامی را مطابق با تفسیر مورد نظر خود (وهابیت) را در ممالک

اسلامی ترویج می‌کنند. این راهبرد ایدئولوژیکی آنان را قادر می‌سازد از نقش دیگر کشورهای اسلامی به عنوان محور تجمع امت اسلامی جلوگیری کرده و همزمان زمینه‌های شکل‌گیری جبهه مقاومت دینی را برابر کشورهای غربی به خصوص آمریکا (به عنوان متحدان سنتی خود) تضعیف کند (<http://www.parsine.com/fa/news>).

- تجزیه و تحلیل

در پاسخ به سوال تحقیق که عنوان می‌کرد: مهم‌ترین سناریوهای محتمل، در روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات منطقه عربی تا سال ۲۰۲۵ چیست؟ یافته‌های تحقیق که حاصل سوال نخبگی از جامعه آماری تحقیق بوده نشان می‌دهد که: ۸۳ درصد نخبگان وزارت خارجه و ۷۸ درصد اساتید جغرافیای سیاسی متغیر «نگاه تعدیل و موازنه نگر به توافق هسته‌ای و تعدیل در روابط خارجی با ایران»، ۸۵ درصد نخبگان وزارت خارجه و ۸۲ درصد اساتید جغرافیای سیاسی متغیر «توافق هسته‌ای، افزایش ناامنی و اصطکاک در روابط خارجی با ایران، ۹۰ درصد نخبگان وزارت خارجه و ۸۷ درصد اساتید جغرافیای سیاسی متغیر "تضعیف موقعیت منطقه‌ای عربستان"، ۷۹ درصد از نخبگان وزارت خارجه و ۹۱ درصد از اساتید جغرافیای سیاسی متغیر «گسترش تفکر سلفی و وهابگری» را از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در روابط خارجی ایران و عربستان در سناریوهای محتمل آینده می‌دانند.

در صورت توافق کامل هسته‌ای بین ایران و ۱+۵:

۱- عربستان و نگاه تعدیل نگر و موازنه نگر به روابط خود با ایران:

اگرچه به نظر برخی تحلیل‌گران فعالیت هسته‌ای تهران یک تهدید وجودی برای عربستان است اما رویکرد رسمی ریاض در قبال ایران در این زمینه چندوجهی، پیچیده و دقیق است. از این لحاظ اقدامات عربستان و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تعدیل و موازنه‌گر است. آن‌ها خواهان مدیریت موضوع هسته‌ای از طریق همکاری و مساعدت هستند و نه مواجهه و تقابل جویی. بنابراین دیدگاه عربستان سعودی به اتحادیه اروپا نزدیک است و اعراب حوزه خلیج فارس نیز متقاعد شده‌اند که همکاری ضمنی با ایران مؤثرتر از رویارویی است زیرا احتمال گسترش بی‌نظمی در منطقه در این صورت افزایش خواهد یافت. بنابراین در صورت برقراری توافق در مذاکرات هسته‌ای بین طرفین (که تاکنون رساله در حال تدوین می‌باشد مذاکرات همچنان ادامه دارد- ۹۳/۱۲/۲۰) عربستان از سوی ایالات متحده متقاعد خواهد شد که ایران هسته‌ای هیچ تهدیدی برای منطقه نخواهد بود و همچنین عربستان و سایرین باید مشکلات خود را با ایران حل نمایند. و عربستان نیز در یک دوره چهار تا ده سال- در صورت پای بندی ایران و ۱+۵ به تعهدات- روابط خارجی خود را با ایران تعدیل خواهد کرد. البته این بدان معنا نخواهد بود که پادشاهی عربستان در تمامی زمینه‌ها اختلاف خود را با ایران مرتفع می‌کند، البته که اینگونه محقق نخواهد شد و مشکلات و اختلاف ایدئولوژیکی و حمایت‌های دو طرف از جریان‌های و جنبش‌های حاکم در سوریه، لبنان، بحرین، یمن همچنان تا ۱۰ سال آینده با اصطکاک دیپلماتیک ادامه خواهد داشت.

۲- عربستان و گسترش تفکر سلفی و وهابگری در منطقه

در صورت توافق ایران با ۱+۵ در قالب یک پروسه ده ساله این احتمال را برای پادشاهی عربستان تقویت خواهد کرد که گذر زمان سبب نزدیکی در روابط دیپلماتیک ایران و ایالات متحده خواهد شد که این موضوع برای پادشاهی

عربستان خوش آیند نخواهد بود چرا که عربستان به خوبی می‌داند که هرگونه نزدیکی ایالات متحده به جمهوری اسلامی ایران مساوی است با فاصله گرفتن از عربستان که این فاصله گرفتن در دراز مدت عربستان را به سمت وسوی بحران‌هایی سوق خواهد داد که امروز در شاخ آفریقا و کشورهای عربی همسایه شاهد آن هستیم. چرا که حضور عربستان با این ایدئولوژی برای منطقه و امنیت منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای بسیار خطرناک خواهد بود، چون پادشاهی عربستان با گسترش روابط خارجی ایران و ایالات متحده سعی خواهد کرد که تفکر سلفی و وهاب‌گری خود را با حمایت از گروه‌هایی مثل داعش یا با تاسیس مدرسه‌های علمیه با تفکر وهابی در کشورهای چون افغانستان و پاکستان علاوه بر منطقه خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز که همانا مراکز مهم انرژی می‌باشند را در کنترل خود داشته باشد.

۳- عربستان و تضعیف موقعیت منطقه‌ای آن

در صورت توافق ده ساله بین ایران و ۵+۱ در معادلات منطقه‌ای نقش عربستان سعودی بسیار ضعیف تر از گذشته خواهد بود و دیگر به مانند گذشته نمی‌تواند بر تصمیمات ایالات متحده در منطقه تأثیرگذار باشد چرا که در صورت ادامه دار شدن این توافق و راستی آزمایشی دو طرفه ایالات متحده قطعاً به این نتیجه خواهد رسید که در ترازویی که یک طرف آن ایران باشد و در طرف دیگر آن عربستان و هم پیمانانش باشند همچنان کفه ترازو به سمت ایران سنگینی خواهد داشت، چون ایالات متحده به خوبی می‌داند که ایران می‌تواند تعادل را در منطقه به خوبی برقرار کند و همگام کردن ایران در برقراری امنیت انرژی در منطقه خیال آمریکا را برای حرکت به سمت پاسفیک آسوده خواهد کرد. که البته این موضوع به این سادگی نخواهد بود و واکنش‌های عربستان را نیز به همراه خواهد داشت که این واکنش‌ها با تضمین‌ها و نقش‌هایی که ایران و ایالات متحده به پادشاهی عربستان خواهند داد فروکش خواهد کرد. که این موضوع سبب نزدیکی روابط خارجی ایران و عربستان خواهد شد.

۴- عربستان و افزایش ناامنی منطقه‌ای و تعارض با روابط خارجی با ایران

در صورت توافق ده ساله بین ایران و ایالات متحده آمریکا یک حالت بدبینانه نیز می‌توان متصور در تحرکات عربستان بود و آن این موضوع خواهد بود که عربستان به منظور دهن کجی به ایالات متحده و خودی نشان دادن ممکن است با جریات و افکار سلفی و وهابی که در منطقه خاورمیانه، شاخ آفریقا و آسیای میانه و قفقاز شکل داده بخواند با جریاناتی مشابه داعش، طالبان منطقه را ناامن سازد تا بتواند از این طریق امتیازهای ویژه‌تری از دولت ایالات متحده دریافت نماید.

البته این نکته نیز باید اشاره شود که با وجود دخالت‌های گسترده عربستان در پرونده هسته‌ای ایران، می‌بایست این پرونده و پرونده امنیت انرژی در خلیج فارس را خارج از دستور کار ریاض دانست چرا که طرف مقابل ایران در این پرونده‌ها بطور مستقیم ایالات متحده امریکاست. این دو پرونده، به خاطر ویژگی‌های منحصر بفردی که دارند در اشل‌های جهانی در حال بررسی هستند. ویژگی‌هایی که از یک سو تهدیدات بزرگ و از سوی دیگر فرصت‌های بی‌ظنیری برای ایران فراهم می‌کنند.

- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانگونه که عنوان شد ایران و عربستان دو قدرت بزرگ و تاثیرگذار در منطقه می‌باشند که دارای موقعیت خاص جغرافیای و ژئوپلیتیکی می‌باشند که همین موضوع آن‌ها را در بین سایر کشورها با اهمیت‌تر جلوه می‌دهد. اما رقابت در بحث روابط خارجی دو کشور موضوعی بوده که در همیشه بعد از انقلاب در سیاست خارجی دو کشور برجسته بوده است. اما در تحقیق حاضر که به نوعی متمایز از سایر تحقیق به این موضوع پرداخته شده است، سعی کرده با شناسایی متغیرهای مهم و تاثیرگذار، سناریوهای محتمل را در روابط خارجی دو کشور بیان نماید و در پایان به این نتیجه می‌رسد که:

الف- نگاه تعدیل و موازنه نگر به توافق هسته‌ای سبب بهبود روابط خارجی ایران و عربستان تا ده سال آینده خواهد شد.

ب- توافق هسته‌ای بین ایران و ۱+۵ باعث اصطکاک بیشتر بین ایران و عربستان خواهد شد.

پ- با برقراری توافق هسته‌ای موقعیت منطقه‌ای عربستان تضعیف خواهد شد که این مهم سبب کنار آمدن بیشتر عربستان با قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تصحیح در روابط خصمانه خود با ایران قدم بر خواهد داشت. ت- توافق هسته‌ای به نگرانی‌های منطقه‌ای و ایدئولوژیکی خواهد افزود و برای فرار از این موقعیت سعی خواهد کرد با گسترش تفکر سلفی و وهابگیری در منطقه به نوعی بتواند مانع این مهم در منطقه شود.

- منابع

اعتمادی، فرامرز (۱۳۹۱). نگاهی به بیداری اسلامی در خاور میانه، فرامرز اعتمادی، مجله سرباز، شماره ۱۸۸. جکسون، ر. و سورنسون، گ. (۱۳۸۵). درآمدی بر روابط بین‌الملل. (م. ذاکریان، ا. تقی زاده و ح. سعیدی کلاهی، مترجم) تهران: انتشارات میزان.

رستمی، محسن و همکاران (۱۳۹۲). ترکیه و بیداری اسلامی، تهران: انتشارات شهید صیاد شیرازی. سجادیپور، کاظم (۱۳۸۳). نگاهی به اهداف و ابزار در سیاست خارجی، چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی. تهران.

عطایی، فرهاد، منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۲). تبارشناسی سیاست خارجی راهبردی، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول، بهار.

کریمی پور، یدالله (۱۳۸۰). ایران و همسایگان. نشر جهاد دانشگاهی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). ایده‌های ایرانی و دگرگونی‌های ژئوپلیتیک، نشرنی.

نصیری، قدیر (پائیز ۱۳۸۲). مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی شماره ۳۶

یزدان فام، محمود (۱۳۹۰). تحولات جهان عرب؛ صورت بندی قدرت و هویت در خاورمیانه، شماره دوم، سال چهاردهم.

Cohen, Joel E. 2001. What the Future Holds. U. S. A.: Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, 2001 .

Ruth, Kelly, "Futures thinking to achieve sustainable development at local level in Ireland. s. I.: Foresight: the Journal of Futures Studies", *Strategic Thinking and Policy* 6,2, 2004 .

<http://www.onlinemanagers.ir/emag/ContentDetails.aspx>

www.jfs.tku.edu.yw

<http://www.bultannews.com/fa/news/119852>

<http://www.parsine.com/fa/news>